

هوشنگ امیراحمدی در تهران، رقت بار و مضحک

تهیه و تدوین: حسن داعی

hassan.dai@yahoo.com

[/http://www.iranianlobby.com](http://www.iranianlobby.com)

همزمان با بالا گرفتن فعل و انفعالات پشت پرده بین غرب و حکومت ملایان، امیراحمدی دوباره روانه تهران شده و با التماس از رهبران رژیم میخواهد تا وی را نیز در این بازی شرکت دهند. گذشته از اصل داستان، یعنی تلاش سران هفت خط رژیم آخوندی برای خرید وقت و از سر گذراندن این چند ماهی که به انتخابات آمریکا مانده، یک نکته جالب در مصاحبه اخیر امیر احمدی با سایت تابناک وجود دارد که صحبت در باره آن ضروری است. ضروری از این جهت که ما را با یکی از پیچ و خم های کار لابیست های رژیم ایران در آمریکا آشنا میکند. این مصاحبه را میتوانید با کلیک روی این لینک مشاهده کنید:

<http://tabnak.ir/pages/?cid=13929>

اصولا قاعده کلی برای لابیگری بنفع ملایان این است که باید برای طرفهای آمریکائی طوری جا بیندازی که با آخوندها رابطه قوی داشته و مورد اعتماد آنها هستی. وگرنه تو را تحویل نمی گیرند و بدین ترتیب، بودجه های کلانی را نیز که بنیادها و موسسات آمریکائی برای پروژه های ملایسند در نظر گرفته اند از دست میدهی. از طرف دیگر، برای آنکه رژیم ملایان نیز به رابطه با تو ادامه دهد و دکان وطن فروشی ات گرم و پررونق بماند، باید لیاقت و توان خود را نیز در رابطه با مقامات آمریکا نشان دهی. یعنی در یک کلام برای مقامات حکومتی ثابت کنی که قادر به حل یک مشکل از آنها هستی. حال با درک این نکته کلیدی، به داستان خنده دار رقابت بین لابیست های آخوندی در آمریکا برگردیم.

همانطور که میدانیم، امیراحمدی شورای آمریکائی ایرانی خود را در سال ۱۹۹۷ براه انداخت و با بهره گیری از سخاوت بی اندازه کمپانی های نفتی، یکه تاز لابی بنفع ملایان بود. در سال ۲۰۰۱، یک جوان ایرانی - سوئدی بنام تریتا پارسی که شم بازاریابی قوی و حساسی داشت، به آمریکا آمد و بعنوان مدیر داخلی شورای وی استخدام شد.

در مدتی که تریتا در شورای امیر احمدی بود، با محافل طرفدار نزدیکی به ملایان آشنا شد و بدرستی فهمید که بازار خوبی برای بازکردن یک دکان جدید وجود دارد. از اینرو، در سال ۲۰۰۲ به کمک مرشد خود، یکی از نمایندگان کنگره بنام "باب نی"، یک شورای جدید بنام انجمن نایاک براه انداخت. "باب نی" که بعنوان یکی از فاسدترین نمایندگان آمریکا معروف شده، مشغول گذراندن دوران محکومیت در زندان است. بخشی از جرم وی نیز دریافت رشوه از دلایان وابسته به ملایان میباشد.

از زمان راه اندازی نایاک تا کنون، دست بالا را تریتا پارسی داشته و موقعیت امیر احمدی بسیار پائین رفته است. در یکی دو سال گذشته نیز چند سازمان جدید لابی براه افتاده و در نتیجه، هم ملایان و هم محافل آخوندی در آمریکا با افزایش عرضه در بازار دلالی و وطن فروشی مواجه شده اند. البته این به معنای کوتاه آمدن امیراحمدی نیست و وی به این آسانی کنار نمی کشد. در طول یکسال گذشته وی سعی کرده تا دوباره خودش را و توانائی های خود را به رخ مسئولان حکومتی بکشد تا شاید دوباره وی را بکار گیرند.

اضافه بر مسئله رقابت بین لابیست های کوچک و بزرگ، یکی دیگر از مشکلات امیر احمدی یا تریتا پارسی این است که در ایران آخوندی جنگ و جدال بین باندهای حکومتی بیداد میکند و بعضی از اوقات ترکش این دعوا به خارجه میرسد و چوبش را لابیست هائی میخورند که اصولا برایشان هیچ جناحی فرقی با آن دیگر ندارد.

به این قسمت از مصاحبه سایت تابناک با او که چند روز پیش در تهران انجام شده نگاه کنید. خبرنگار به امیراحمدی تذکر میدهد که دیگر در آمریکا قدرتی نداری و برای رژیم ملایان ارزشی نداری. وی در پاسخ، ضمن اعتراف به اینکه برای ملایان لابی میکند و ضمن گله از دعوی بیهوده باندهای حکومتی، قیمت خود را به رخ خبرنگار میکشد: (<http://tabnak.ir/pages/?cid=13928>)

"تابناک: اما دیدگاهی در ایران وجود دارد که سطح شما آن قدر هم بالا نیست و در آمریکا اعتبار زیادی ندارید.

امیراحمدی: این ناشی از تصویری است که در ایران وجود دارد که به جای تقویت لابی حامی خود،

آن را تضعیف می‌کند. به طور نمونه بارها شده است که مقامات رسمی آمریکا خواستار مذاکره با ایران شده‌اند و من با مقامات ایران صحبت کردم، اما مقام ایرانی گفت که الان زمان آن نیست و مدتی بعد از طریق طرف آمریکایی فهمیدم که این ملاقات انجام شده است که یک مورد آن ملاقات رسمی آقای ظریف با آقای خلیل‌زاد، معاون وزیر خارجه وقت آمریکا بود و این هم ناشی از آن است که دولت‌ها با مسئله به طور جناحی برخورد می‌کنند و می‌خواهند کار تنها از طریق خودشان صورت گیرد اما در عمل نیروهای کاردان ندارند.

البته من فرد جناحی نیستم و با آن‌که شخصا به آقایان هاشمی، خاتمی و احمدی‌نژاد علاقه دارم، در جناح هیچ یک از آنها نبوده و نیستم و خود را فردی با هویت ایرانی و مسلمان می‌دانم که تمایلات عدالت‌طلبانه و سوسیال‌دمکرات دارد. بنابراین در همه دولت‌ها تلاش خود را برای کمک به ایران انجام می‌دهم و البته این کار نیز بسیار مشکل است. چراکه در آمریکا برخلاف ایران لایه‌های دوم و سوم، مسئولان طراز اول هستند که تعیین‌کننده و تصمیم‌سازند و این افراد هم اکثرا مرتبط با لابی‌های مخالف ایران هستند و فراهم کردن زمینه مثبت در این شرایط بسیار مشکل است. البته من هم تلاش خود را برای فراهم کردن زمینه کار انجام می‌دهم."

یکبار دیگر این سوال و جواب را بخوانید و حال رقت بار امیر احمدی را ببینید. البته این میزان از وقاحت و به رخ کشیدن خدمات خود به آوندها، تنها از کارت‌های سوخته ای مثل وی برمی‌آید. وی در قسمت دیگری از مصاحبه، ارادت خود به آخوند آدمکش خامنه‌ای را نیز نشان می‌دهد و او را وطن دوست و آبادکننده ایران معرفی می‌کند:

"در همین دوره، در یکی از سفرها برای بازسازی، ملاقاتی با مقام معظم رهبری که در آن زمان ریاست‌جمهوری را بر عهده داشتند، انجام دادم و ایشان دو نکته به من گفتند که هنوز به خاطر دارم، یکی این‌که گفتند به آمریکایی‌ها بگو ما به دنبال عقب بردن این کشور نیستیم و هرچه هم در جنگ خرابی به بار آمده باشد، آن را بهتر و مدرن‌تر خواهیم ساخت و دیگر این‌که به بنده توصیه کردند، همیشه ایرانی بمان و ایران را فراموش نکن."

در پاسخ به امیر احمدی باید این داستان را تعریف کرد. از آخوندی پرسیدند که آیا از خودت شارلاتان تر هم دیده‌ای؟ گفت بلی.

با تعجب از او پرسیدند که مگر میشود؟ گفت: از من شارلاتان تر کسی است که مرا خوب می‌شناسد ولی وقتی بمن میرسد می‌گوید: حاج آقا التماس دعا داریم.

درفش کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>
<https://the-derafsh-kavivani.com/>